

بیانیه پیرامون

مشارکت در انتخابات و تأمین حقوق و آزادیها

هموطنان عزیز _ ملت شریف ایران

کشور ما دوران پرتب و تاب و حساسی را می‌گذراند. بحرانهای سرنوشت‌ساز اقتصادی، فشار و سرکوب سیاسی، فساد گسترده مالی و اداری، معضلات پیچیده اجتماعی و رکود و جمود فرهنگی، حیات ملی ما را در معرض خطرات جدی قرار داده است. فشار طاقت‌فرسای تورم و بیکاری اکثریت مردم، بخصوص طبقات کم درآمد، را از پای درآورده است. خطرات جدی خارجی تمامیت ارضی کشورمان را تهدید می‌کند.

در چنین شرایط حساسی است که انتخابات دوره پنجم مجلس شورا به زودی برگزار خواهد شد و به همین دلیل نهضت آزادی ایران لازم می‌داند که دیدگاهها، مواضع، سیاستها و برنامه‌های خود را با شما مردم فداکار، که صاحبان اصلی این مرز و بوم هستید، در میان گذاشته و در راستای انجام وظایف ملی خود از شما کمک بخواهد.

اعتبار هر نظامی در گرو برگزاری انتخابات سالم و آزاد می‌باشد. اما انتخابات سالم و آزاد مقدمات و پیش‌شرطهای ضروری اجتناب‌ناپذیری دارد که اگر فراهم نشود چنان انتخاباتی نه تنها موجب اعتبار حاکمیت و نظام نمی‌گردد بلکه بر بی‌اعتباری آن خواهد افزود.

گروهها و احزاب سیاسی مخالف، از جمله نهضت آزادی ایران، در اعلامیه‌های متعدد خود، پیش‌شرطهای ضروری سلامت و اعتبار انتخابات را برشمرده‌اند. عمده‌ترین پیش‌شرطها تأمین حقوق و آزادیهای اساسی ملت و امنیت فعالیتهای سیاسی است که در اصول فصل سوم قانون اساسی تصریح شده است.

گرچه مقامات مسئول صاحب قدرت هر یک به فراخور ذهنیت و موقعیت خود سخنان نغزی پیرامون ضرورت مشارکت احزاب و وجود آزادیهای سیاسی بیان کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد که بسیاری از تصمیم‌گیرندگان اصلی در حاکمیت به عمق بحرانهای فراگیر توجه کافی نداشته، عموماً می‌کوشند بدون کمترین تغییر و صرفاً با هیاهوی تبلیغاتی و در غیر این صورت، با حداقل تغییرات بی‌ضرر این مرحله را از سر بگذرانند. در هر حال، هنوز نه تنها گام مثبتی در جهت به رسمیت شناختن فعالیت آزاد احزاب سیاسی مخالف بر نداشته‌اند، بلکه برعکس، علایمی از تشدید فشارهای سیاسی، از جمله دستگیریهای گسترده در قم و سایر شهرستانها دیده می‌شود. در وزارت ارشاد و سازمان صدا و سیما، فعل و انفعالات جدیدی به وضوح در جهت تشدید اختناق و سانسور صورت گرفته است. گروههای فشار همچنان آزادانه دست به انجام هر عملی علیه مخالفان واقعی و یا فرضی می‌زنند.

در چنین شرایطی، شخصیتها، احزاب و گروههای سیاسی مخالف، که سالها سابقه مبارزه با استبداد و استیلاي خارجی را داشته، طعم تلخ استبداد را به کرات چشیده‌اند، به جای آنکه دست روی دست بگذارند

و نظاره‌گر از هم‌پاشیدگی ملت و مملکت باشند، به رایزنی و چاره‌جویی پرداخته‌اند و از آنجا که انتخابات ادواری در راستای تحقق حاکمیت مردم از عمده‌ترین راه‌های اعمال حاکمیت مردم است، تا کنون دو نوع نگرش و خط‌مشی متفاوت مطرح گردیده است. نگرش نخست بر این پایه قرار دارد که چون دولت هیچ یک از پیش‌شرط‌های اساسی سلامت و آزادی انتخابات را تأمین نکرده است، لذا شرکت در آن بی‌فایده است، باید مطابق سنت گذاشته، انتخابات را تحریم نمود.

نگرش دوم شرکت در انتخابات را به عنوان فرصت مناسبی در راستای ادامه تلاش برای تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی ملت تلقی نموده، معتقد است که باید از فرصت‌های قانونی برای نجات ملت استفاده کرد. بخش قابل توجهی از این نیروها تحریم انتخابات را بی‌حرکتی و موضع‌گیری انفعالی می‌دانند که در نهایت به هیچ‌گونه تغییر وضعی منجر نخواهد شد.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که حکومت‌های بی‌اعتبار به حقوق ملت هیچ‌گاه به رضا و رغبت حاضر به عقب‌نشینی در برابر ملت و تمکین از قانون نشده‌اند بلکه سازمان‌های مردمی با اهرم حمایت و پشتیبانی ملت، آنها را به عقب‌نشینی وادار ساخته‌اند.

در مطالعه و بررسی وضعیت کنونی جامعه و واکنش مردم در امر انتخابات باید به دو نکته زیر توجه کرد.

نکته اول رشد آگاهی و شعور سیاسی مردم است. انقلاب اسلامی ایران بر شعور و درک سیاسی بخش وسیعی از مردم میهن ما اثرات عمیقی باقی گذاشته است و مردم عموماً و اکثراً سیاسی شده‌اند. هر کس کمترین ارتباطی با مردم کوچه و بازار، در تاکسی و اتوبوس و در صف خرید مایحتاج زندگی داشته باشد و فرصت و حوصله شنیدن نظرات مردم را پیدا کند، پی می‌برد که آنها مطالب و رویدادهای سیاسی را خوب می‌فهمند و با صراحت و زیرکی بیان می‌کنند.

نکته دوم بی‌میلی و بی‌تفاوتی مردم نسبت به اجرای وظایف و مسئولیت‌های سیاسی و بی‌توجهی آنها به مشارکت در تعیین سرنوشت خودشان، بخصوص در انتخابات، می‌باشد. بی‌رغبتی و بی‌تفاوتی رو به رشد مردم در انجام وظایف سیاسی از یک طرف نشانه سرخوردگی مردم است و از طرف دیگر ناشی از روحیه عافیت‌طلبی و پرهیز از درگیری و خطر و حاصل رسوبات باقیمانده از استبداد مزمن می‌باشد.

اما سرخوردگی مردم ریشه در رویدادهای بعد از انقلاب دارد. از یک طرف، حاکمیت انحصاری طبقه‌ای تحت نام خدا، دین، انقلاب و مستضعفان، سرکوبی هر نوع اعتراض و انتقاد و جلوگیری از طرح هر نوع فکر و اندیشه جدید و مستقل و از طرف دیگر، پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکمیت این طبقه یا قشر طی ۱۶ سال گذشته سبب شده است که یاس و ناامیدی به تدریج جایگزین شور و نشاط سیاسی سالهای اول انقلاب گشته آثار خود را در کاهش تدریجی و چشمگیر میزان مشارکت مردم در انتخابات ادواری گذشته به وضوح نشان دهد. به طوری که دامنه عدم مشارکت مردم در انتخابات گذشته به آن حد رسید که حاکمیت مجبور شد قانون انتخابات را تغییر داده حداقل آرای لازم برای انتخاب شدن در دور اول رأی‌گیری را از اکثریت مطلق به یک سوم کاهش دهد. بی‌رغبتی مردم در انتخابات را در واقع می‌توان نوعی «مبارزه منفی» تلقی کرد که در هر حال نشانه بارز بی‌اعتنایی مردم به حاکمیت به شمار می‌رود.

اما برخورداری مردم از آگاهی و شعور سیاسی، که به آن اشاره شد، تنها در شکل مبارزه منفی و عدم شرکت در انتخابات بروز نکرده است. در مواردی نظیر انتخابات ریاست جمهوری دوره گذشته، که مردم با انگیزه‌های مختلف به پای صندوق‌های رأی رفتند، بخشی از آرای خود را، به رغم کاندیدای اصلی شناخته

شده حاکمیت، به نام فرد نسبتاً گمنام و ناشناخته‌ای به صندوق ریختند. همچنین، در انتخابات مجلس در بعضی از شهرستانها، مردم با وجود تبلیغات وسیع کاندیداهای وابسته به حاکمیت و فشارهای سیاسی، به کسانی رأی دادند که به هیچ یک از جناحهای حاکمیت وابسته نبودند.

بنابراین، بی‌تفاوتی یا بی‌رغبتی مردم نسبت به انجام وظایف و مسئولیتهای سیاسی، از جمله شرکت در انتخابات، را نباید به منزله غیرسیاسی بودن مردم تلقی کرد. بلکه به جرات می‌توان گفت که این واکنشها حاکی از آن است که قدرت و سیطره گسترده حاکمیت و تبلیغات انحصاری سالهای متوالی نتوانسته است آگاهی و شعور سیاسی مردم را مخدوش سازد و آنها از هر فرصتی، از جمله انتخابات، برای ابراز نارضایتی خود از عملکردها و سیاستهای حاکمیت استفاده می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که ممکن است بتوان با فشار و سرکوب چشمها، گوشها و دهان مردم را بست، اما نمی‌توان برای همیشه آنها را فریب داد. مشکل مردم در بی‌رغبتی و بی‌تفاوتی است. بی‌تفاوتی نوعی واکنش منفی است که فقط گرایشهای مردم را نشان می‌دهد، اما به هیچوجه راهگشا نیست. هر قدر مردم درک و شعور سیاسی داشته باشند و در کوچه و خیابان و یا در محافل دربسته، با صراحت یا طنز، اعتراض و حتی انزجار خود را از وضعیت نابسامان اقتصادی و سیاسی نشان دهند، تا زمانی که این نارضایتی‌ها به یک حرکت سیاسی جهت‌دار تبدیل نشود، هیچ حاصلی نخواهد داشت حتی حرکتها و شورشهای خودجوش در شهرهایی نظیر: شیراز، مشهد، اراک، قزوین و اسلامشهر با وجود آنکه عمق نارضایتی مردم را منعکس می‌سازد، اما در نهایت منجر به تغییر ساختار حاکمیت و یا تعدیل سیاستهای آن نخواهد شد.

از طرفی بی‌رغبتی و بی‌تفاوتی مردم نسبت به مشارکت فعال در انجام وظایف و مسئولیتهای سیاسی مطلوب‌ترین وضعیت برای حاکمیت است. اگر مردم از گرانی و فشارهای اقتصادی و نابسامانیهای اجتماعی رنج می‌برند، اگر هر روز شاهد برملا شدن فسادهای گسترده مالی در ادارات و نهادهای دولتی و غیر آن هستند و اگر از فشارهای سیاسی و تبلیغات یکطرفه گروهی سطحی‌نگر به تنگ آمده‌اند، باید بدانند که تنها با شرکت فعالانه در ایفای وظایف و مسئولیتهای سیاسی می‌توانند به تغییر و بهبود اوضاع امیدوار باشند.

قانون اساسی در فصل پنجم چگونگی اعمال حق حاکمیت ملت را تصریح کرده است. انتخابات ادواری پیش‌بینی شده در قانون اساسی، نظیر انتخابات مجلس شورا، ریاست جمهوری، شوراها و ... این حق را به ملت داده است که اگر از حاکمیت، مسئولان و مقامات مملکتی ناراضی هستند، آنها را از طریق انتخابات ادواری کلاً یا جزئاً تغییر دهند. تغییر حاکمیت، خواه جزئی یا کلی نباید به معنای تغییر نظام تلقی گردد. تا زمانی که مردم و گروههای سیاسی انفعالی عمل کنند، و اعتراضها و نارضایتی‌ها در بستر یک عمل سیاسی فعال تبلور بیرونی پیدا نکنند، هیچ تغییر و بهبودی در اوضاع صورت نخواهد گرفت. بر این اساس، انتخابات ادواری فرصت بسیار مناسبی است برای آنکه مقاومتها و واکنشهای انفعالی به اقدامات تعیین کننده و موثر تبدیل شود.

در حالی که حاکمیت در جهت استمرار قدرت خود می‌کوشد که به طور مستقیم و غیرمستقیم، این واکنشها را در همان سطح انفعالی نگاه دارد، احزاب و گروههای سیاسی مخالف وظیفه دارند که این واکنشها را فعال کرده و آن را به اقدامات سیاسی مؤثر تبدیل نمایند.

مشارکت در انتخابات آینده مناسب‌ترین فرصت برای تحقق چنین منظوری محسوب می‌گردد. طبیعی است که حاکمیت می‌کوشد که به هر وسیله‌ای مانع مشارکت احزاب و گروههای سیاسی مخالف در

انتخابات گردد. اما عدم مشارکت داوطلبانه مخالفان در انتخابات و تحریم آن همچون گذشته، که تاثیر چندان در میزان مشارکت کسانی که به هر دلیل در انتخابات شرکت می‌کنند نخواهد داشت، وسیله تبلیغاتی مناسبی به دست حاکمیت خواهد داد که به مردم ایران و جهان اعلام کند که علی‌رغم وجود آزادی گسترده، گروه‌های سیاسی مخالف و منزوی به دلیل نداشتن زمینه و مقبولیت مردمی حاضر نشده‌اند در انتخابات مشارکت نمایند.

مردم عموماً، و نهضت آزادی ایران خصوصاً، صادقانه بودن مواضع و سخنان مقامات را بنا بر تجربیات گذشته باور نداشته، آنها را صرفاً تبلیغات انتخاباتی برای مصرف افکار عمومی داخلی و خارجی می‌دانند. با وجود این، به نظر می‌رسد که تنها محک سنجش صدق این ادعاها، داوطلبی و ثبت‌نام شخصیت‌های مستقل ملی - مذهبی خارج از جناح‌بندی‌های حاکمیت می‌باشد.

داوطلب شدن و ثبت‌نام شخصیت‌های مردمی، حسن استفاده از شرایط موجود و استفاده از ابتدایی‌ترین حقوق هر شهروند ایرانی بوده، نه تنها امتیاز دادن به حاکمیت و یا تایید سیاستها و عملکردهای آن محسوب نمی‌گردد، بلکه نشانه آمادگی این افراد در قبول پیامدهای خیرین اقدامی در شرایط حساس و متلاطم کنونی است.

چنین اقدام شجاعانه‌ای حاکمیت را بر سر دو راهی رد یا قبول صلاحیت نامزدهای مخالف قرار می‌دهد. اگر حاکمیت با غرض‌ورزی‌های سیاسی و بر خلاف قانون اساسی، صلاحیت نامزدهای مخالف را رد کند، به دست خود سند رسوایی و مخدوش بودن انتخابات را امضا کرده و بیش از پیش به اعتبار داخلی و خارجی خود لطمه وارد خواهد کرد بدون آنکه شخصیتها، گروهها و احزاب معرفی کننده نامزدها، چیزی از دست بدهند.

اما اگر عناصری خردگرا و عاقبت‌اندیش در درون حاکمیت وجود داشته باشند که حساسیت اوضاع کنونی کشور و اهمیت انتخابات آینده و مشارکت احزاب و نیروهای مخالف را درک کرده، به مصالح عالی‌ه کشور بیش از منافع کوتاه مدت حاکمیت توجه نموده و قادر باشند که متناسب با آن عمل کنند، حاکمیت با تایید صلاحیت کاندیداهای گروه‌های مخالف عملاً حضور گروه‌های سیاسی مخالف را خواهد پذیرفت.

دولت ایران علی‌رغم تنگناهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بی‌سابقه داخلی و خارجی می‌کوشد که از طریق هیاهوهای تبلیغاتی و نمایش انتخابات، این مرحله را پشت سر بگذارد و طبیعی است که در صورت عدم توفیق در این زمینه سعی خواهد کرد که با تمکین به حقوق و آزادی‌های سیاسی گروه‌های مخالف از تنگناها خارج شود. در این شرایط، چگونگی عملکرد مردم و احزاب سیاسی مخالف حائز اهمیت است.

اگر حاکمیت راه دوم را انتخاب کند، فصل جدیدی در مناسبات سیاسی کشور گشوده گشته، راه برای تأمین تدریجی حقوق و آزادی‌های اساسی ملت و حاکمیت مردم و تغییر و بهبود اوضاع هموار خواهد شد. در آن صورت، جبهه مخالفان با دو مشکل روبرو خواهد شد: یکی مشکل سیاسی - روانی، و دیگری مشکل ساختاری در انتخابات کنونی.

مشکل اول متهم شدن به سازش با حاکمیت و مشروع شناختن آن از ناحیه مردم مایوس و ناامید و مخالفان با مشارکت در انتخابات می‌باشد.

از مدتی قبل گروه‌های ضدانقلاب و طرفداران براندازی انتشار چنین شایعاتی را آغاز کرده‌اند. اما در راستای انجام وظایف و مسئولیت‌های ملی و به خاطر نجات کشور از بن‌بستها و گشودن راه‌های نجات ضروری است کسانی که تعهدی احساس می‌کنند، از آبروی خود مایه بگذارند و از خطرات استقبال کنند،

گذشته از آنکه در صورت توفیق این استراتژی جدید، هر گونه نگرانی در این مورد منتفی خواهد شد. اما مشکل دوم؛ واضح است که اگر حاکمیت به حضور و فعالیت نامزدهای گروههای سیاسی مخالف تن در دهد، با تمام نیرو سعی خواهد کرد که مانع تماس و ارتباط آنها با مردم و در نتیجه انتخاب آنها شود. در حال حاضر، تمام امکانات تبلیغاتی از جمله رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و نشریات، مساجد و اماکن عمومی که متعلق به عموم می‌باشد یا مستقیماً در دست دولت است و یا در کنترل دولت می‌باشد. نامزدهای انتخاباتی گروههای دولتی، با استفاده از این گونه امکانات، از ماهها قبل تبلیغات خود را شروع کرده و هر روز به عناوین و بهانه‌های مختلف در رسانه‌های جمعی ظاهر می‌شوند. با وجود این، دولت سعی خواهد کرد که زمان تبلیغات انتخاباتی را تا حد امکان کوتاه سازد. به موجب اطلاعیه وزارت کشور، تنها یک هفته فرصت برای تبلیغات نامزدهای انتخابات پیش‌بینی شده که بسیار کم است. برای کاندیداهای دولتی که تا کنون از هر فرصتی، تحت پوششهای مختلف و با امکانات دولتی برای خود تبلیغ کرده‌اند، این محدودیت زمانی تاثیر چندانی ندارد. اما برای نامزدهای انتخاباتی گروههای سیاسی مخالف، که از همه امکانات محروم می‌باشند، اثرات منفی تعیین کننده دارد.

نکته دیگر اینکه دولت ممکن است برای جلوگیری از پیروزی نامزدهای مخالف از ابزارهای غیرقانونی و دخل و تصرف در آرای صندوقها استفاده نماید. بر خلاف ادعای معاون سیاسی وزارت کشور در دیدار سفرای کشورهای اروپایی، هیاتهای نظارت توسط مردم انتخاب نشده‌اند بلکه توسط دولت تعیین شده و عموماً متعلق به یک جریان سیاسی خاص می‌باشند. علاوه بر این، مشکل گروههای فشار وجود دارد. این گروهها، که از طرف نهادهای صاحب قدرت، بسیج و حمایت می‌شوند، عملاً به صورت ابزار سرکوب عمل می‌کنند. تا کنون هر جا که حاکمیت نتوانسته حرکت‌های مردمی را متوقف سازد، از این گروهها استفاده نموده است. نمونه‌های متعدد از رفتار خودسرانه گروههای فشار در سرکوبی حرکت‌های مردم، حتی حرکت‌های فکری، وجود دارد. علاوه بر فشار نهادهای دولتی، گروههای فشار، امنیت را از مردم سلب می‌کنند و مانع شرکت جدی مردم در انتخابات به نفع نامزدهای مخالف می‌گردند. این نگرانیها عموماً صحیح و بجا می‌باشد. اما آیا می‌توان به دلیل وجود این احتمالات از مسئولیت شانه خالی کرد؟

اگر حاکمیت به حضور نامزدهای گروههای سیاسی مخالف تن در دهد. با این رفتارهای قابل پیش‌بینی چگونه باید مقابله نمود؟

بی‌تردید روشها و شیوه‌های متعددی را می‌توان از هم اکنون پیش‌بینی کرد که مطرح کردن آنها فقط زمانی مفید خواهد بود که مشارکت گروههای مخالف وارد مرحله دوم یعنی در هنگام اعلام رسمی اسامی کاندیداهای انتخابات مجلس بشود.

بحث و بررسی کنونی عمدتاً پیرامون مرحله اول یعنی ضرورت داوطلب شدن و ثبت نام است.

هموطنان عزیز

بحرانهای سرنوشت‌سازی کشور عزیزمان را دربرگرفته است. بی‌تفاوتی در برابر خطرات تهدیدکننده، بر عمق و دامنه این بحرانها می‌افزاید و در نهایت شما هستید که بهای سنگین آن را می‌پردازید. زمان، زمان بی‌تفاوتی و انفعال نیست. تنها با حسن استفاده از فرصت انتخابات و فعال شدن است که می‌توانید حقوق و آزادیهای خود را مطالبه و تأمین نموده، سرنوشت خود را رقم زنید.

اگر بپذیریم که کلید بحرانهای گسترده کنونی در گرو حل بحران سیاسی بوده، انتخابات فرصت مناسبی برای این منظور به شمار می‌رود، باید از این فرصت استفاده کرده، حاکمیت را وادار ساخت که با تحمل نامزدهای نیروهای مخالف اولین گام را برای حل تدریجی و مسالمت‌آمیز بحران سیاسی بردارد. این حق ملت است و ملت باید این حق را مطالبه نماید.

نهضت آزادی ایران، با توکل به خداوند متعال و با پیروی از راه و رسم بنیانگذارانی چون شادروانان آیت‌الله طالقانی و مهندس مهدی بازرگان که این نهضت مقدس را در ۳۵ سال پیش پایه‌ریزی نموده، عمری را در خدمت صادقانه به این ملک و ملت سپری کردند، مصمم است که همگام و همراه با سایر شخصیتها و نیروهای سیاسی ملی - مذهبی مورد اعتماد مردم، در جهت استیفای حقوق ملت افراد شایسته و معتبری را، در چهارچوب برنامه‌ای مشخص که بعداً اعلام خواهد شد، معرفی نماید و از تمامی کسانی که به حاکمیت ملت عمیقاً معتقدند و در خود شایستگی و آمادگی دفاع از حقوق ملت و تحقق آرمانهای انقلاب را می‌بینند دعوت می‌کند که در این برنامه مشارکت فعالانه نمایند.

نهضت آزادی ایران

دی ماه ۱۳۷۴

هموطن عزیز: با توجه به محدودیتها با تکثیر و توزیع نشریات نهضت آزادی و ارسال کمکهای ماهانه خود ما را یاری دهید.
هزینه فتوکپی: ۱۰۰ تومان